

داستان دستگاهی که چهل سال است برای دانشگاه کاری کند



محسن امینی از شاگردان سابق دکتر شفیعی و از استادان فعلی دانشکده داروسازی است که درباره ایشان می نویسد:

در خصوص چهره نامه کار داروسازی ایران، عباس شفیعی مطالب زیادی نوشته شده است. اما به برخی از یادگاری علمی و آکادمیک ایشان کتر اشاره شده است.

نوع و هوش ذاتی ایشان مسلماً یک هدیه الهی بوده که بعد از گذشت سال‌های شهادت از اوج افتخارات علمی ایشان همچنان زنده و شاداب و پویای مانده است. سابقه این هوش ذاتی را می توان از زمان تحصیل ایشان در دوره تخصصی تحصیلی ایشان یاد کرد. زمانی که دوره بی‌اج دی دارنکگاه کلمیسا در دانشکاه نیویورک می گذرانده‌تبه اول را در این دانشکاه کسب کرده و متعاقباً دوره رسا کتیزا را در دانشکاه کتیزاگر نیویورک می گذرانده و در این مقطع موفق شد، تواناود بوسه موسسه علمی -تحقیقاتی فون هوپولت را در آلمان کسب کند. این موفقیت در سال و در سراسر جهان فقط نصیب ۱۰ محقق اول و اول شده و دکتر شفیعی توانست این ده نفر هم رتبه نخست را کسب کند. این طبق سنت این موسسه به تیره اول در هر سال یک جایزه نقدی که در آن سال هلاله دارد و در آن زمان بزرگ بوده است اعطای می شود. دکتر شفیعی درخواست می کند که بجای این جایزه یک دستگاه آزمایشگاهی همتر از این مبلغ دریافت کند که بتواند تحقیقاتش را در ایران ادامه دهد. این دستگاه در حال حاضر بعد از گذشت بیش از چهل سال هنوز در دانشکده داروسازی دانشکاه علوم پزشکی تهران در حال کار است. بلاگهی فلزی و نفیس در داخل این دستگاه نصب شده است به زبان آلمانی با این متن که "این هدیه ای است از فون هوپولت به عباس شفیعی "با کتر سال کسب رتبه نخست در آن موسسه.

عشق به تحقیق، آموزش و تدریس از مواردی است که کاملاً به صورت ذاتی در ایشان نهانیده شده است. باطنیان بسیاری می توانند تا آخرین روز عمر خود همواره در راه کسب علم و یادگیری مطالب جدید علمی خواهد بود. قدرت فراگیری و درک پیشرفت‌های جدید علمی در ایشان به گونه ای است که در مقایسه با همکاران جواتر به طور چشمگیری کیفیت بالاتری دارد و بی شک نشانه ای است از این حقیقت است که این استعداد همگی از او می آید. دکتر شفیعی ریشه اصلی آن را درک کرده است. به طوری که ایشان به گواهی تمام دانشجویش و همه همکارانی که تقریباً همگی زمانی دانشجوی ایشان بودند. در نهایت دانش حافظه، تجربه و علم در اوج تواضع رفتار می کند و یقین دارد که این هدیه ای است که به او سپرده شده و وظیفه انتقال و آموزش را نیز نسل های بعدی دارد. بی تردید بسیاری از شاگردان تحت تاثیر منش ایشان قرار گرفته اند. افتخارات علمی شمار این بزرگوار که حتما در نوشته های فراوان قبلی به آنها اشاره شده است، در برایشن بزرگوار ایشان ناچیز است.



بک الگوی شاختی
محمد عبدالعلی، استاد دانشکده داروسازی تهران و مدیر دپارتمان سم شناسی و داروشناسی دانشجوین سابق و از همکاران کنونی ایشان هم درباره ویژگی های کار بارز دکتر شفیعی می گوید:

افتخار آشنایی با آقای دکتر شفیعی را از سال ۱۳۳۲ دارم، وقتی که به عنوان دانشجو وارد رشته داروشناسی دانشکده تهران شده ام. ایشان در آن زمان درس شیمی اولی را تدریس می کردند. از خصوصیات بارز ایشان «حضور به موقع سر کلاس، قرآن خواندن قبل از شروع کلاس و استفاده از کچ و نخت و توضیحت کردن های اخلاقی بی نقص» می شناسم. کلاس ایشان را دوست داشتم، ولی موقع امتحان متوجه شدم سخت می گیرند و معمولاً جای نشستنشان را از او می گیرند. در کنار تدریس مطالب ساده ها گاهی یک کلمه می بگویند که بعداً عضو هیئت علمی در همان دانشکده شده و در موفقیتهای کار آری نیز با ایشان پیشرفت داشته اند. به عقیده من که علاوه بر داند کارهای باربر سرعت و درست انجام دستوری مستحضر این پایان نامه دانشجویان وقت می گذارند. هر چند گاهی اوقات سرسخت و کم حوصله در شیدن نظرات مخالف دیگران هستند. ایشان همیشه سرخیز هستند. روزی در کلاس حاضر می شوم حدود ۱۰ دقیقه در محوطه استخر روبروی مسجد دانشکاه قدم می زنم. هم در گاهی با ایشان هم قدم می بردم. یک روز یکی از بزرگان ایشان مازول وقت خواندن ایشان است. همیشه سر موقع نماز می خوانند و بی خیالی اهمیت می دهند و اهل عفت نیستند. به علم شیمی خیلی علاقه دارند و گاهی فکرمی کند که به علوم قبلی دارویی در نزد ایشان کمتر کار از شیمی هستند. من در مورد ایشان اختلاف نظر دارم. در سفری که با هم به اسپانیا برای شرکت در یک کنفرانس داشتیم، متوجه شدم که همسفر و دوست خوب و متواضعی هستند و از نوع صحبت ما سیرت لذت می برد.

به عقیده من دکتر شفیعی دارای خصوصیات دوستانه ای هستند که لازم است، برای نسل جوان به عنوان یک الگوی شاخص معرفی شوند. نهایتاً اظهار می دارم که با نهایت صداقت و دوزار تملق نظر تمام را گفته و احترام ایشان نزد من استوار است.

سوابق حرفه ای دکتر شفیعی

استادیار (۱۳۴۷/۱/۱۳) - دانشیار (۱۳۴۹/۱۲/۲۵) - استاد (۱۳۵۰/۳/۱) - مدیر گروه شیمی دارویی (۱۳۵۲/۲/۹) - رئیس دانشکده داروسازی (۱۳۶۵) - عضو شورای گروه تحقیقات علوم دارویی کشور (۱۳۷۱/۱۱/۲۸) - عضو شورای پژوهشی دانشکاه علوم پزشکی تهران (از سال ۱۳۶۶ تاکنون) - عضو شورای گسترش دانشکاهای علوم پزشکی (۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۷) - عضو هیئت امنا دانشکاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی تهران (۱۳۷۰ تاکنون) - عضو هیئت تحریریه مجله علوم جمهوری اسلامی ایران (به زبان انگلیسی) و مجله پزشکی جمهوری اسلامی ایران (به زبان انگلیسی) (از سال ۱۳۷۴ تاکنون) - مدیر مسئول مجله "دارو" مجله دانشکاه داروسازی دانشکاه علوم پزشکی تهران (از سال ۱۳۷۸ تاکنون) - عضو انتشارات دانشکاه تهران (۱۳۷۵ تاکنون) - عضو هیئت ممیزه مرکزی وزارت بهداشت و درمان و دانشکاه علوم پزشکی تهران (۱۳۷۸ تاکنون) - مدیر شورای آموزش داروسازی و تخصصی (از سال ۱۳۷۸ تاکنون) - عضو کمیسیون قانونی تشخیص (از سال ۱۳۷۸ تاکنون)، عضو کمیسیون و تدوین داروهای گیاهی ایران (از سال ۱۳۷۸ تاکنون) - عضو شورای ارزشیابی مدارک خارجی گروه پزشکی (از سال ۱۳۷۷ تاکنون) - عضو هیات امنای مرکز ملی تحقیقات علوم پزشکی کشور (۱۳۷۸ تاکنون)، عضو هیات ممیزه دانشکاه علوم پزشکی تهران (۱۳۷۵ تاکنون) - عضو هیئت مدیره دانشکاه علوم پزشکی از سال ۱۳۶۹ تاکنون، عضو هیئت فرهنگستان علوم از سال ۱۳۷۰ تاکنون، عضو فرهنگستان کشورهای در حال توسعه TWS از سال ۱۳۷۵ تاکنون رئیس مرکز تحقیقات علوم دارویی دانشکاه علوم پزشکی تهران از سال ۱۳۸۲ تاکنون شورای آموزش داروسازی و تخصصی از تیرماه ۱۳۸۹



خداوند عطا کرده من خودم هیچم و اگر چیزی هم می دلم بطف خداست و اعتقاد قلبی دارم که دین نقش زیادی در موفقیت و موفقیت آدم‌ها دارد. یک انسان بی دین هیچ وقت نمی تواند موفقیت داشته باشد یعنی همیشه از نظر روانی دچار خلأ است. بهترین محققین ما در گذشته متدین بودند. کسانی بودند که به خدا اعتقاد داشتند و مادی هم نبودند. زندگی ابوعلی سینا با زکریای رازی را ببینید. به نظر من اگر آدم نخواهد مادی کار باشد، نمی تواند محقق خوبی باشد. انسان باید به نیروی ماورای خودش اعتقاد داشته باشد اینکه خدایی هست که ما را هدایت می کند و اینکه آخرتی وجود دارد. یک آدم متدین به رفتاری پیشرفت با تکاپو به خدا و ایمان قلبی به فعالیتش ادامه می دهد و نیروی ماورای این مسایل به او قدرت انگیزه و صاف می دهد. اگر کسی در این‌ها اعتقاد داشته باشد، می تواند زندگی اش را درست اداره کند و اگر اعتقاد نداشته باشد زندگی آرام و موفقی ندارد. اگر انسان فکر کند که من همه کارام این شخص تحقیقاتش هم نمی تواند مفید باشد. اگر اعتقاد به خدا و خداوندش هیچ وقت بمب‌اتم ساخته نمی شد و با سلاح‌های شیمیایی و مخرب تولید نمی شد که باعث کشتار انسان‌های بی گناه زیادی شود. دین نقش بارز دارد. نگ می دارم. زیرا اعتقاد به خدا باعث انتخاب از بدی‌ها می شود. انسان باید به نیروی ماورای خودش اعتقاد داشته باشد. این اعتقاد است که می تواند زندگی را بسازد و درست کند. این که انسان فکر کند که خودم هستم کاره است، حتی تحقیقاتش هم نمی تواند مفید باشد.

● در حال حاضر اخلاق جامعه پزشکی را چگونه ارزیابی می کنید؟
متأسفانه جامعه ما به شدت مادی شده و از اخلاق دور شدیم و جامعه پزشکی هم جزئی از همین جامعه است. مادیات و پول بد بختی می آورد و حرص و طمع چون بی پای است و جلوگیری ندارد، آدم از اخلاق و خدمت دور می کند.

● جامعه پزشکی خیلی با گذشته فرق کرده، قدیمی ترها آدم‌های معتقدتری بودند. بیشتر اهل خیر و کمک به فقرا بودند که امروزه این ویژگی خیلی کم رنگ شده و اخلاق رو به زوال است. الان دیگر کمتر کسی مثل دکتر بلداری می بینید که با جان اخلاق و منشی زندگی کند. وقتی کسی ایمان داشته باشد روزی دست خداست. رفتار و کردارش خیلی فرق می کند. ما اعتقاد تمان ضعیف شده است. علم بی ایمان ارزش ندارد و ایمان یعنی به اینکه آخرتی هم هست. اگر به این یقین رسیدیم در هر شغل و حرفه ای هم باشیم بحرص و رقابت مانده هست و خیلی چیزها عوض می شود.

● با این حجم زیاد کاری که دارید، فرصت مطالعه در زمینه های غیر از داروسازی را هم دارید؟

بله. من به شعر و موسیقی علاقه زیادی دارم. ولی بزرگ ترین لذت من قرآن خواندن است. صلاهی قرآن برای من آرام بخش است و خیلی به رادیو قرآن گوش می کنم. در واقع صوت قرآن در عمق وجود نفوذ می کند. من معنیات را یکی از شاخص های مای دلم و فکر می کنم علت موفقیت های علمی قدیمی خودمان هم همین باشد. معتقدم چون مادی نبودند موفق بودند.

عالمی بودند که به غیر از علم خودشان اعتقاد قلبی و راسخی به خداوند داشتند و خودشان را وقف این راه کرده بودند و چیزی دیگری برایشان مهم نبود.

بر همین اساس در فرهنگ گذشته ما همیشه به تحصیل علم در کار اخلاق، خدمت به مردم و کمک به منوع سفارش و توصیه شده است.

من بارها گفته ام که تنها علم به دردمی خود، حتی در غرب هم همین طور است. حالا بعد از سال ها فراموشی خدا به این نتیجه رسیدند که مذهب هم با کسی من مثل من اصلا کار راحتی نیست، کسی تا مدت مدتی مشغول تحقیق و تدریس و کار باشد، ولی همسر در تمام این سالها همراه او هم پای من بودند.

● چه می تواند امریکا هستند؟

هیچ وقت در قید و بند این موم که بچه ها هم متولد کشور دیگری غیر از ایران باشند. بچه های من ایران متولد شدند و همین جا بزرگ شدند. هیچ وقت داروسازی در ایران تمام زندگی خودم نشاندند. سیستم اجتماعی و تبعیض زیادی که وجود دارد من را از دین می کرد و هیچ وقت تمایلی به رفتن کردن در آنجا نداشتم. شرایط آنجا ای وجود امکانات فوق العاده ای که برایم مهم بود با شرایط روحی من سازگار نبود.

● شما زمان جنگ در ستنز بعضی داروهای مؤثر با وجودی که اتفاق غیر عادی شدی، چگونه توانستید در زمان آن کارها به نتیجه برسید؟

زمان جنگ اولی باری که عراقی‌ها سلاح‌های شیمیایی رایه کار بردند، سید اسپهبد کمیونته ای که مردم به صورتشان زود بودند و پوستشان زود زود بجهت آزمایش و بررسی برای ما فرستادند و به ما گفتند که این چیست و عراقی‌ها چه چیزی برده اند؟ این بررسی کردیم و فهمیدیم زیاد استوار استفاده شد و

اطلا دادیم که عراقی‌ها در جنگ شیمیایی شده اند، همان زمان آقای رفسنجانی هم در نماز جمعه اعلام کرد. تا آن زمان ارزش تحقیقات در کشور روشن نبود یعنی نمی دانستند که محقق و تحقیق ارزش دارد. فکرمی کردند که تحقیقی که خارجی‌ها انجام می دهند. بس است. ما تحقیق کنیم که چه شود. اوایل انقلاب که وضع بدتر هم بود و می گفتند محققین خود فرخته اند! اما در زمان جنگ‌های شیمیایی ارزش تحقیقات را متوجه شدند. ما نتها گفتیم که ماده کاررفته چه چیزی هست، در مقابله و درمانش راه آموزش داریم که چگونه رازها را در مقابل پیش

برداروسازی نوین ایران رابه دولتمردان نشان دهیم



پایان درس پاناصله به ایران برگشید؟

سیستم آموزشی اینجا من را اذیت می کرد. وقتی رفتم امریکا تازه فهمیدم که مقدر سیستم آموزشی ما فلط بود، سیستم ما بر اساس حفظ بود و آنها کار درکی و مفهومی کار می کردند. زمانی که من رفتم مدت تمام شاگرد اول دانشکده داروسازی بودم و در آزمون ورودی کلمیسا نمره شیمی اولی ام ۹۶ شد از ۱۰۰ و دانشکاه اعلام کرد، می توانم کلاس شیمی پیشرفته را انتخاب کنم. ولی من کلاس شیمی معمولی بردم. سر همین کلاس‌ها بود که متوجه شدم، هیچی از مباحث درسی نمی فهمم. مشکل در همان سیستم آموزشی ما بود. همین‌ها برای من همیشه انگیزه بر گشت بود که توانم تجربی در سیستم آموزش دانشکاهی به وجود بیارم و رانقلابه لطف خدا موفق هم بودم. ایجاد دوره های تخصصی و دکتری حرفه ای در داروسازی کمک بزرگی بود و زمینه ساز تحولات خوبی بود. دانشجوین نخیه ما وقتاً و مقام معتقدم که آنچه من در اینمعت است که

امکاناتی که در ایران وجود دارد، کارکتید و نمی شود تمام امکاناتی که در خارج هست را در اینجا فراهم کنید. یعنی تلاش و پشتکار باید در کنار واقعیتی باشد. **● الان که به زندگی ام نگاه می کنم، می بینم همیشه بهترین انتخاب‌ها را داشته ام. ازدواج، رشته تحصیلی و اینکه در هر زمانی بهترین کار ممکن را انجام دادم.**
● هیچ وقت در قید و بند این نبودم که بچه ها هم متولد کشور دیگری غیر از ایران باشند. بچه های من ایران متولد شدند و همین جا بزرگ شدند. هیچ وقت امریکا را برای اقامت و زندگی کردن دوست نداشتم.
● جامعه پزشکی خیلی با گذشته فرق کرده، قدیمی ترها آدم‌های معتقدتری بودند. بیشتر اهل خیر و کمک به فقرا بودند که امروزه این ویژگی خیلی کم رنگ شده و اخلاق رو به زوال است.

هستند و با توجه به اینکه برخلاف سایر دانشکده‌های علوم پزشکی، دغدغه مسئولیت‌های بالینی ندارند، صرفاً در جهت امور آموزشی و پژوهشی فعالیت می کنند. بنابراین دانشکده داروسازی در مقایسه با سایر دانشکده‌های دانشگاه جایگاه مناسبی در امر پژوهشی دارد. پژوهش نیز در سطح بین المللی است. با توجه به اینکه اعضای هیات علمی دانشکده داروسازی برخلاف سایر دانشکده‌های علوم پزشکی، دغدغه مسئولیت‌های بالینی ندارند و صرفاً در جهت امور آموزشی و پژوهشی فعالیت می کنند، بنابراین دانشکده داروسازی در مقایسه با سایر دانشکده‌های علوم پزشکی، جایگاه مناسبی در امر پژوهش دارد. به عقیده من پژوهش و ایجاد تغییر و تحول در برنامه آموزشی داروسازی کشور ضروری است و با توجه باینکه ۸۵ درصد فارغ التحصیلان دوره داروسازی عمومی وارد داروخانه‌ها می شوند، بنابراین دوره آموزشی داروسازی عمومی و واحدهای ارائه شده در آن باید با محوریت کار در داروخانه باشد. همچنین توجه بیشتر به مباحث فارماکولوژی و کارآموزی صورت گیرد. ■

در کشورهای پیشرفته بیلیون‌ها دلار صرف تحقیق و پژوهش برای ساخت یک ترکیب و داروی جدید می شود در حالی که این کار در کشور ما با بودجه‌های حدود ۶ تا ۱۰ میلیون غیرممکن است. در این کشورها تحقیقات و پژوهش‌ها نه در دانشگاه بلکه در صنایع صورت می گیرد. در کشور ما تبدیل کارهای پژوهشی به تولیدات دارویی منسزم حمایت و پشتیبانی دولت است. و استفاده و مواد اولیه تولید دارو در کشور ما تولید نمی شود. اگر قرار باشد واسطه‌های دارویی را از خارج خریداری کنیم، هیچ وقت داروسازی توجیه اقتصادی نخواهد داشت. کشورهایی مانند هند و چین که در تولید دارو موفق هستند، تمام واسطه‌ها و مواد اولیه شیمیایی مورد نیاز را خودشان تولید می کنند.

در حال حاضر در رشته‌های مختلف داروسازی امکانات و تجهیزات لازم برای تحق و پژوهش وجود دارد و دانشجویان می توانند در هر زمینه‌ای که علاقه مند هستند تحقیقات خود را انجام دهند.

در حال حاضر ۶۴ عضو هیئت علمی در دانشکده داروسازی دانشگاه تهران مشغول به کار